

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

خلاصه بحث گذشته

بحث در این بود که آیا اجتهاد بر تقلید، تقدم دارد یا خیر؟ یعنی آیا مادامی که انسان می‌تواند مجتهد شود یا می‌تواند تقلید کند، حق رجوع به احتیاط را ندارد؟ آیا احتیاط، رتبتاً متأخر از اجتهاد و تقلید است یا خیر؟

بعد از بیان آن سه نکته، فقط یک دلیل در مسئله قابل طرح و تعرض است، و آن این بود که احتیاط، یک امر اختلافی است و لازمه مسائل اختلافی این است که باید در آن یا تقلید کرد یا اجتهاد کرد.

کلام مفصلی را از مرحوم محقق اصفهانی در ردّ این دلیل بیان کردیم. اجمال فرمایش ایشان این بود که این احتیاط که در کنار اجتهاد و تقلید قرار داده شده و عدل اجتهاد و تقلید است، از آن جهت، در کنار آن دو قرار داده شده که ما را به واقع می‌رساند. یعنی عقل می‌گوید: که یا برو اجتهاد کن، یا برو احتیاط کن، یا برو تقلید کن.

مرحوم اصفهانی می‌فرماید: در احتیاط - که دیروز عرض کردم، از جهت ترتب اثر (یعنی آن اثر قهری و وضعی، مثل سوزاندن آتش، که قهری است) مما لا بد منه است -، تقلید راه ندارد، چه فقهاء بگویند که احتیاط جایز است، چه نگویند، اثر احتیاط، ترتب این قهری و وضعی است. لذا مرحوم اصفهانی می‌فرماید: این که احتیاط (که اثرش وصول الی الواقع است) کنار تقلید و اجتهاد قرار گرفته است، از این حیث است که اثرش قهری و وضعی است. بلی، یک وقت احتیاط معروض برای وجوب و حرام قرار می‌گیرد، مثلاً می‌گوید: احتیاط حرام است، احتیاط واجب است، چه کسی باید این واجب و حرام را بگوید؟ مجتهد باید بگوید.

نظر آیت الله العظمی فاضل لنکرانی (دام ظلّه)

والد معظم ما جواب محقق اصفهانی را قبول کرده‌اند. اصل جواب این است که احتیاطی که عدل برای اجتهاد و تقلید قرار گرفته است، از این حیث، مورد بحث قرار گرفته، که اثر قهری و وضعی بر او مترتب می‌شود، که آن اثر، وصول به واقع است، نه از حیث اینکه معروض برای وجوب و حرام می‌شود. اما فرموده‌اند: که در کلام اصفهانی سه نکته وجود دارد که ما نسبت به آن سه نکته اشاره داریم:

نکته اول

مرحوم اصفهانی فرمودند: مجرد اینکه یک مسئله اختلافی است، این ملازمه ندارد، که حتماً این مسئله تقلیدی باشد، و دو نمونه نقض آورد که مسئله اختلافی است، اما مع ذلک تقلیدی نیست.

بعد از اینکه مرحوم اصفهانی این ضابطه را انکار کردند، فرمودند: ملاک تقلیدی بودن یک مسئله، اختلافی بودن آن مسئله نیست. سپس خودش یک ملاک برای تقلیدی بودن ارائه داد و فرمود: تقلیدی بودن یک مسئله، ملاکش این است اگر در یک مورد، حکمی مماثل جعل شود، حالا فرقی نمی‌کند که این حکم مماثل، مماثل با واقع باشد یا نباشد (شما ببینید الان در کتاب کفایه گفته‌اند تمام احکام ظاهریه، حکم مماثل است) و در بیان ملاک و حجیت امارات، که روی چه ملاک حجیت دارد؟ مبنای مرحوم آخوند و اصفهانی این است که جعل حجیت امارات، به عنوان حکم مماثل است. ایشان فرمودند: اگر در یک موردی، حکم مماثل جعل شد، مثلاً روایت گفت: نماز جمعه واجب است، این حکم بر طبق آن روایت، مماثل با آن حکمی است که در واقع وجود دارد. این حکم مماثل، اگر منشأ شود برای اینکه عامی منبعث شود و در عامی انبعاث بوجود بیاید، این مسئله، عنوان تقلیدی بودن را پیدا می‌کند. اما اگر در موردی، حکم مماثل نداشتیم یا اگر یک حکم مماثل بود، برای اینکه مستلزم یک تالی فاسد است و مستلزم استحاله است، منشأ برای حرکت عامی نشد، در این صورت، مسئله عنوان تقلیدی بودن را ندارد.

اشکال اول

ایشان فرموده است: ما دلیلی نداریم بر اینکه این ملاک (جعل حکم مماثل و عدم جعل حکم مماثل) ملاک تقلیدی بودن مسئله باشد. دیگر اضافه بر این توضیح نداده است. اما توضیحش آن طور که به ذهن می‌رسد، این است که ما برای نقد کلام مرحوم اصفهانی موارد زیر را ذکر می‌کنیم، که در آن موارد، مسئله تقلیدی است، اما در آن مورد، حکم مماثل نداریم. شمایی مرحوم اصفهانی، تقلیدی بودن یک مسئله را منحصر کردید در جایی که حکم مماثل جعل شده باشد، اما برای شما جایی را می‌آوریم که حکمی مماثل نداریم، مع ذلک مسئله تقلیدی است.

مثال: یک موردش احتیاط وجوبی است. مثلاً یک مرجع تقلید فتوا داد به اینکه در این مسئله، احتیاط وجوبی این است (که مثلاً در نماز، تسبیحات سه مرتبه خوانده شود)، شخصی در این مسئله، به کسی مراجعه نکرد، در همین مسئله احتیاط، را تبعیت کرد، اینجا تقلید واقع شده است، در حالی که در اینجا حکم مماثل ندارد. احتیاط حکم نیست.

خلاصه: این دو ضابطه، که گفته شد برای مسئله تقلیدی بودن، یکی اینکه در مسئله اختلافی، تقلید راه ندارد، یکی اینکه مرحوم اصفهانی ملاک تقلیدی بودن را این قرار داد که حکم مماثل جعل شده باشد، که هر دو ملاک باطل شد.

نکته و اشکال دوم

مرحوم اصفهانی فرموده است که حرمت احتیاط، به جهت این است که یک عنوان مبعوض بر آن انطباق پیدا می‌کند. اشکال این است که این چنین نیست، گاهی اوقات احتیاط به عنوان خودش حرام است. باز در اینجا مثال مطرح نفرموده است.

پاسخ از اشکال

ظاهر این است که این اشکال والد معظم بر مرحوم اصفهانی وارد نیست. مرحوم اصفهانی وقتی می‌فرماید احتیاط به خاطر یک

انطباق، یک عنوان مبغوض است، عنوان مبغوض را ما معنا کردیم و آن اینکه اگر احتیاط، موجب اختلال نظام شود، اختلال نظام حرام است. این احتیاط که مقدمه حرام است، حرام است. یا اینکه احتیاط، موجب عسر و حرج است، این هم حرام است. غیر از این دو مورد، که احتیاط بخودی خود حرام باشد، در فقه چنین موردی پیدا نمی‌شود که احتیاط، به عنوان خودش حرام باشد.

نکته سوم

مرحوم اصفهانی بعد از اینکه فرمود احتیاط دارای دو حیثیت است؛ یک حیثیت احتیاط، معروض وجوب قرار می‌گیرد، یا معروض برای حرمت قرار می‌گیرد، فرموده‌اند که از این جهت تقلیدی است. بعد فرموده‌اند که یک حیثیت دیگری است و آن این که در بعضی موارد احتیاط راه دارد. شارع اگر تصرف کرد، مثلاً نمی‌دانیم که نماز ظهر واجب است، یا نماز جمعه واجب است؟ در این مورد شارع اگر تعیین کرد که یا فقط ظهر واجب است یا فقط نماز جمعه واجب است، فرموده‌اند: در این مورد دیگر احتیاط از احتیاط بودن خارج می‌شود، اسمش را هم گذاشته‌اند «حیثیت مخرجه»، حیثیتی که احتیاط را از احتیاط بودن خارج می‌کند، دیگر از عنوان احتیاط بودن و مورد بحث خارج می‌شود.

اشکال سوم

اشکال این است که این فرمایش شما، مستلزم تناقض می‌شود. تعبیری که در اینجا است این است که آن چیزی که معدوم برای شیء است، نمی‌تواند حیثیت شیء باشد. شما مرحوم اصفهانی، در این حیثیت دوم، که تصویر کردید، می‌فرمایید با تصرف شارع، نفیاً و اثباتاً، در بعضی موارد احتیاط از احتیاط بودن خارج می‌شود، خوب خارج شد، چرا این را حیثیت خود احتیاط قرار دهید؟ چیزی که می‌آید احتیاط را از احتیاط بودن خارج می‌کند، نمی‌تواند وصف برای خود احتیاط باشد.

بعد فرموده است: که مراد شما از اینکه شارع تصرف کرده، چیست؟ اگر بفرمائید که ما علم وجدانی به أحد الطرفين پیدا کردیم، بلی، این قبول است. چون علم وجدانی پیدا کردیم و این علم، احتیاط را از احتیاط بودن خارج می‌کند.

اما اگر از راه امارات و اصول عملیه وارد شدیم، در این صورت مجتهد با یک خبر واحد آمد، قرار داد که نماز جمعه واجب است، آیا این سبب می‌شود که در اینجا احتیاط راه ندارد؟

جواب: راه دارد خود شارع می‌تواند در اینجا احتیاط کند و در این صورت، این امارات و اصول عملیه مخرج احتیاط نیست.

خلاصه: از این سه اشکال، اشکال اول و سوم ایشان وارد است، اما اشکال دوم ایشان وارد نیست.

نظر استاد:

اشکالی که به ذهن می‌رسد، این است که ما قبول داریم که این دو جهت در احتیاط وجود دارد، آیا این دو جهت، قابل تفکیک است، یا قابل تفکیک نیست؟

اگر قابل تفکیک باشد و ما بگوئیم که آن احتیاط که در اینجا عدل برای اجتهاد و تقلید است، از این حیث است (یعنی وصول بواقع و ترتب اثر) نه از آن حیث، که معروض احکام خمس قرار گرفته، أما لِقائل أن يقول: که این دو حیث، از هم قابل انفکاک

نیست، چرا؟ اگر آمدم گفتیم که یکی از موارد احتیاط، حرمت احتیاط است در جایی که احتیاط حرام است، این احتیاط ما را به واقع می‌رساند؟

آنچه که منشأ اشتباه ایشان شده این است در آن جایی که می‌گوئیم یک احتیاط لزومی و وجوبی است، این احتیاط حتماً ما را به واقع می‌رساند.

اما در جایی که احتیاط حرام است، چطور؟ در صورت حرام بودن ما را به کدام واقع می‌رساند؟

پس برای وصول به واقع، ما باید بدانیم که این احتیاط حرام نیست، برای اینکه بدانیم، این احتیاط حرام نیست چه کنیم؟

جواب: یا باید احتیاط کنیم، یا باید تقلید کنیم.

لذا دقت اقتضا می‌کند که این دو حیث قابل تصور است، اما قابل تفکیک نیست. در نتیجه نمی‌توان گفت این احتیاطی که عدل اجتهاد و تقلید قرار گرفته، احتیاطی است که اثر آن وصول به واقع است.

این جواب در تفصیل الشریعه آمده و فرموده است: بر فرض تسلیم اینکه اجتهاد و تقلید، در احتیاط راه دارد، و احتیاط متفرع بر اجتهاد و تقلید است، اما متفرع بودن علمی یک مطلب است، متفرع بودن امتثالی و مقام امتثال، یک مطلب دیگر است.

ایشان فرموده است: اینکه از جهت اختلافی بودن، متفرع بر اجتهاد و تقلید است، اقتضا نمی‌کند که در مقام مثال بودن، هم متأخر باشد. بلی، از جهت علمی، یک مجتهد باید بداند که این احتیاط، حرام نیست، یا بداند که این احتیاط رجحان دارد، و این متفرع بر اجتهاد و تقلید است، اما تفرع در اجتهاد و تقلید، که تفرع علمی است، این غیر از تفرع در مقام امتثال است. آنچه که مورد بحث ماست، تفرع در مقام امتثال است. یعنی ما بگوئیم که عقل می‌گوید: که انسان برای امتثال، یا اجتهاد کند، یا تقلید کند، یا احتیاط کند.

لذا اگر یک مجتهدی در یک مسئله اجتهاد کرد و گفت: تسبیحات اربعه در نماز، یک بار کافی است، اما در مقام امتثال این مجتهد می‌تواند احتیاط کند، این جواب بهترین جواب است.

این بحث دوم که آیا اجتهاد و تقلید بر احتیاط تقدم دارد، روشن شد که اجتهاد و تقلید بر احتیاط تقدم ندارد.

و صَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ